

معامله‌گری بدون علم و تخصص کافی نیز مانند سایر رفتارهای انسانی همچون رانندگی، بدون علم و شناخت، سرانجامی جز آسیب و زیان نخواهد داشت. همان‌گونه که در تمامی رفتارهای ما صرفاً بعد تخصصی موضوع مدنظر کافی نیست، در معامله‌گری نیز ورای آموزش مبانی تخصصی به توانمندی‌های دیگری نیز اعم از کنترل هیجانات، وقت‌شناسی، جامعه‌شناسی و... نیاز است

بخشی از متن کتاب



کتاب شماره ۲۷۶ نشر شفاف

- سرشناسه : جبل عاملی، احمدرضا، ۱۳۶۳ -
 عنوان و نام پدیدآور : من گفته بودم / نویسندگان احمدرضا جبل عاملی، محمد ابراهیم پور ؛
 ویراستار عرفان صغیر.
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات شفاف، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری : ۴۸ ص.: نمودار (رنگی).
 فروست : انتشارات شفاف؛ ۲۷۶.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۹۵-۹۰-۹
 وضعیت فهرست : فیبا
 نویسی :
 موضوع : سرمایه‌گذاری -- تجزیه و تحلیل
 Investment analysis
 بازار سرمایه
 Capital market
 شناسه افزوده : ابراهیم پور، محمد، ۱۳۷۴-
 شناسه افزوده : صغیر، عرفان، ۱۳۷۷-
 رده بندی کنگره : HG۴۵۲۹
 رده بندی دیویی : ۶/۳۳۲
 شماره کتابشناسی : ۹۳۵۳۳۴۲
 ملی :
 اطلاعات رکورد : فیبا
 کتابشناسی :

من گفته بودم

نویسندگان:

احمد رضا جیل عاملی

محمد ابراهیم پور

ویراستار:

عرفان صغیر



من گفته بودم

نویسندگان: احمد رضا جبل عاملی، محمد ابراهیم پور

ویراستار: عرفان صغیر

طراح جلد: محسن وزیری

ناشر: شفاف

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰ دلار

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۹۵-۹۰-۹

./تمام حقوق محفوظ است © ./

نشر شفاف

(ناشر عمومی و ناشر تخصصی اقتصاد)

دفتر تهران: ۸۸۵۰۱۸۷۷ - ۲۱

کتابفروشی نجف آباد: ۴۲۶۱۰۹۰۱ - ۳۱

مدیر فروش: ۹۳۶۰۰۰۱۹۹۰

مدیر نشر: ۹۳۶۰۹۳۶۸۸۸

همه کتابهای نشر شفاف را می‌توانید از تارنمای نشر شفاف تهیه کنید:

www.shafaaf.ir



تقدیم به:

همه مردم ایران

من گفته بودم

تمام آنچه مرا واداشت که دست به کار نگارش این کتاب شوم گذشته‌ی من بود. گذشته‌ایی که نه دیروز است و نه کودکی‌ام! منظور من از گذشته، زمانی است که هم من، هم شما و هم تمام پیشینیانمان داشته و آیندگانمان نیز به اشتراک با ما خواهند داشت و تا ابد تکرار شدنی است. این گذشته‌ی مشترک، دوران جنینی ما، از زمان لقاح تا لحظه‌ی پیش از خروج از دنیای امن و بهشتی رحم مادر و ورودمان به این دنیای بسیار بزرگ و مملو از پیچیدگی‌هاست. شاید در ابتدا این جملات را بی معنا بدانید و معتقد باشید که مگر چیزی از آن گذشته به یاد کسی می‌ماند که اکنون از آن وام گرفته و کتابی به نگارش بیاید؟ پاسخ این سوال به ظاهر منطقی را با طرح چندین سوال بیان می‌کنم؛ آیا تا کنون برایتان پیش نیامده است که از اتفاق بسیار سهمگینی بترسید و بعده‌ها آن را به یاد نیاورید؟ لحظات سنگینی که شرم، غم، خشم و یا شادی بسیار زیادی را در یک بازه‌ی زمانی بسیار کوتاه تجربه کرده باشید، شوک شده باشید و اکنون آن را به یاد نیاورده و گاهی در جلسات رواندرمانی خصوصی خود، بدون آن که از پیش به آن فکر کرده باشید، بیان کنید؟ با وجود چنین قابلیت‌ی در آدمی، کومه نظری‌ست اگر لحظه‌ی تولد، بزرگترین از دست دادن تاریخ زندگی خود را به جای یک امر سرکوب شده، یک امر فراموش شده بدانیم.

حال سوال دیگری که پیش می‌آید این است که چرا بزرگترین از دست دادن تاریخ زندگیمان؟ ما که حیات و زندگی در این دنیای پر از زیبایی را به دست آورده‌ایم؟ البته پر از هراس! اگر بهشت رحم مادر را از دست نمی‌دادیم چگونه می‌توانستیم از امکانات نامحدود دنیای بزرگمان بهره برده، تجربه‌ها کسب کرده و رشد کنیم؟ طبیعی است که به ازای هر به دست آوردنی چیزهای بسیاری را از دست خواهیم داد؛ اما جنس این از دست دادن نسبت به جنس سایر از دست دادن‌های طول زندگیمان متفاوت است. ما منطبق‌ترین محیط با دنیای درون و ویژگی اصلی انسان بودنمان، یعنی ارضای مطلق بی قید و شرط و آئی را از دست داده‌ایم، محیطی غالباً ثابت، بی محرک و کاملاً ارضا کننده.

به دنیایی آمدم که هیچ شناختی از آن نداشته و اکنون برای ارضای نیازهای خود باید از مراقبینی که شاید حواسشان به ما نباشد و گاهی درگیر نیازها و زندگی روزمره‌ی خود باشند کمک بگیریم و بقای خود را مستلزم توجه بالای آنان بدانیم.

بقا همان مسئله‌ایست که از لحظه‌ی نخست تولد تا لحظه‌ی مرگ، ما را درگیر خود کرده و مبنای تمامی رفتارها و فرایندهای ذهنی ماست.

پس از ورود به دنیای پیچیده‌ی بزرگ کنونی، در می‌یابیم که هیچ شناختی از آن نداریم و تنها آینده‌ی پیش رویمان مرگ است و نابودی. چگونه می‌توان از به خطر افتادن بقای خود نترسید زمانی که هیچ شناختی از محیط جدید خود نداریم مگر بزرگ بودنش و اینکه تحت بمباران محرک‌های عجیب و جدید مختلفش هستیم؟ این ترس، بسیار بزرگتر از حد اعلائی است که می‌توانید تصور کنید؛ و کاملاً طبیعی! در نهایت پناه می‌بریم به اولین و قوی‌ترین سلاح خود، گریستن.

گریستن به عنوان اولین راه ارتباط ما با دنیای بیرون، حاوی پیامی بسیار مهم است؛ من می‌ترسم.

ترس زمانی به وجود می‌آید که امنیت به خطر افتاده باشد. همه‌ی ما برای فرار از ترس‌هایمان به فردی آشنا، محیطی آشنا و شرایطی قابل درک پناه می‌بریم. مثال سطح پایین آن زمانی است که وارد یک میهمانی می‌شویم. به سراغ افرادی می‌رویم که احساس صمیمیت بیشتری با آنان می‌کنیم نه افرادی که برای اولین بار ملاقاتشان می‌کنیم. در لحظه‌ی تولد هم آشناترین فرد، محرک، محیط و شرایط قابل درک برایمان، مادر است و در آغوش او به آرامش می‌رسیم. این آغوش پاسخ پیام گریستن ما را می‌دهد و می‌گوید: نترس، من هستم، دنیا را می‌شناسم و کنارت خواهم بود.

خواه ناخواه به این آغوش، پیام و فرد اعتماد کرده و پا به پای او دنیا را می‌شناسیم. پدر وارد دنیایمان شده و حال با مراقبی دیگر، بیشتر فرصت شناخت دنیا را داشته و به اکتشاف تحت نظرشان می‌پردازیم. هرچه بزرگتر می‌شویم افراد بیشتری وارد این منطقه‌ی امن شده و موقعیت‌های بیشتری را درک خواهیم کرد. دایره‌ی دوستی‌هایمان بزرگتر شده، وارد اجتماع می‌شویم و با هنجار، فرهنگ و مسائل مربوط به هر جامعه‌ای که در آن قرار گرفته‌ایم دست و پنجه نرم خواهیم کرد و به ناچار با آن منطبق می‌شویم. اما آنچه همواره در ما و روابطمان ثابت است و اکنون به صورت ناهشیار به عنوان قانون اول در نظر گرفته می‌شود؛ بقاست.

هر چه بزرگتر می‌شویم، بیشتر به اهمیت پول در حفظ بقا پی می‌بریم. البته پول پس از فرهنگ اجتماعی و نیز فرهنگ استفاده‌ی از پول در راستای رشد اجتماعی. چراکه بدون روابط اجتماعی بقای انسان محکوم به نابودی است و این موضوع دیگر اکنون برای همگان روشن و واضح است. بقای اجتماع بقای ما و رشد اجتماع رشد ماست.

حفظ بقای ما در اجتماع مستلزم رعایت فرهنگ آن جامعه بوده و به این ترتیب فرهنگ هر جامعه ضامن بقای آن. چراکه اگر فرهنگ هنجار در جامعه در راستای نابودی آن باشد و همه‌ی افراد منطبق با آن عمل کنند، نتیجه‌ای جز نابودی آن جامعه در پی نخواهد بود. اگرچه فرهنگ باشد، غالب و پذیرفته شده باشد اما اشتباه، نتیجه‌ای جز تباهی سرمایه‌های اجتماعی نخواهد داشت.

دنیایی که در آن قرار داریم، دنیایی پر از نظم، قاعده و قوانینی است که همچنان بسیاری از آنها برای انسان قابل درک نیست. انسان با پذیرش این واقعیت به کشف علم و شناخت ساخت روش‌های علمی پرداخت. علم چیزی جز کشف واقعیت نیست و انسان برای بقا و نیز انجام نقش خود در هر وهله از زندگی‌اش به نحو احسن به آن نیازمند است. به این ترتیب در هر زمینه‌ای که به انسان در راستای شناخت جایگاه و رشدش کمک می‌کند، رشته و تخصصی علمی وجود دارد. شاهدیم که همواره از آغاز تا کنون رفته رفته بر این علوم افزوده می‌شود.

در عصر حاضر معامله‌گری نیز به عنوان یک تخصص شناخته شده و معامله‌گران نیز در راستای بهبود کیفیت معاملات خود و کسب سود بیشتر با صرف کمترین هزینه، به آموزش در این زمینه می‌پردازند. معامله‌گری بدون علم و تخصص کافی نیز مانند سایر رفتارهای انسانی همچون رانندگی بدون علم و شناخت، سرانجامی جز آسیب و زیان نخواهد داشت. همانگونه که در تمامی رفتارهای ما صرفاً بعد تخصصی موضوع مدنظر کافی نیست، در معامله‌گری نیز ورای آموزش مبانی تخصصی به توانمندی‌های دیگری نیز اعم از کنترل هیجانات، وقت شناسی، جامعه شناسی و... نیاز است.

اگرچه یک معامله‌گر در محیط معامله‌گری تنها حرکت چند کندل را مشاهده می‌کند اما می‌داند که این کندل‌ها حاصل تصمیمات میلیون‌ها معامله‌گر در اقصی نقاط جهان و

تحت تاثیر اتفاقات تلخ و شیرین سیاسی و اجتماعی بسیاری می‌باشد. با این وجود معامله‌گران می‌دانند که راهی برای کنترل و تحت اختیار قرار دادن میلیون‌ها انسان، نداشته و بازار نیز مطابق میل آنها عمل نخواهد کرد. بدیهی است که یک معامله‌گر ابتدا می‌بایست از خود شروع کند و همانگونه که اصل واقعیت حکم می‌کند؛ اگرچه جامعه‌ی معامله‌گران، تحت کنترل و فرمان او عمل نمی‌کند اما حداقل می‌تواند رفتارهای معاملاتی خود را به بهترین نحو ممکن مدیریت کند.

می‌دانیم که بازارهای مالی به عنوان یکی از پر بازده‌ترین روش‌های کسب سود و درآمدزایی امروزه رونق بسیاری در جوامع متمدن پیدا کرده است و فرهنگ خاص خود را دارد. بازارهای مالی متشکل از جامعه‌ی بسیار بزرگی از خریداران و نیز فروشندگان است که هرگاه خواست یکی بر دیگری غالب باشد، فرهنگ رفتاری، تفکر و خواست آنان روشنگر تصمیم معاملاتی ما در راستای حفظ بقا و سپس رشد مالیمان بوده و می‌بایست متناسب با آن عمل کنیم.

حال به اهمیت علم به عنوان ابزار اصلی تشخیص واقعیت و فرهنگ جامعه‌ی حاکم پی می‌بریم. قواعد علمی و تخصصی اقتصاد و معامله‌گری به ما در این مسیر کمک می‌کند. ما به کمک علم و تخصص معامله‌گری قادر به تشخیص این خواهیم بود که اکنون جریان حاکم، خواست خریداران است و یا فروشندگان؟ طرف دیگر این اجتماع چه تدبیری می‌اندیشند و برای تغییر شرایط حاکم دست به انجام چه اقداماتی می‌زنند؟ با جامعه‌ی حاکم همراه باشیم یا منتظر نتایج اقدامات طرف دیگر بوده و با فرا رسیدن زمان غالب شدن خواست آنان با بازار همراه شویم؟ پاسخ تمامی این سوالات نیازمند تخصص معامله‌گری و آموزش فرهنگ حضور در بازارهای مالی است. بدون دانش این فرهنگ نمی‌توان با اجتماع غلب آن همراه بود و روشن‌ترین آینده‌ی در انتظارمان نابودی و حذف است. از دست دادن تمامی سرمایه.

نمودار شاخص روزانه‌ی بورس ایران
در مردادماه سال ۱۳۹۹ هجری شمسی

آنچه حرکات اکستشنشن و کارکشنن یا به عبارتی دم و بازدم بازارهای مالی را می‌سازد، فرهنگ غالب و رفتار معامله‌گران، متناسب یا برخلاف آن است.

فقدان علم به یک تخصص و نیز عدم شناخت فرهنگ غالب متخصصان فعال در آن حوزه مسیری است که مقصدی جز نابودی نخواهد داشت. این جمله، گزاره‌ایست که همگان با آن موافقیم اما در عمل گاهی رفتاری خلاف آن را مشاهده می‌کنیم. حتی در مقیاسی ملی! مانند آنچه که در نمودار روزانه‌ی شاخص کل بورس ایران در مردادماه سال ۱۳۹۹ هجری شمسی مشاهده شد. فقدان فرهنگی که تبعات آن تا سالیان سال غیر مستقیم، در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن گریبان حداقل دو نسل را رها نخواهد کرد.

(نمودار روزانه‌ی شاخص کل بورس ایران : مردادماه ۱۳۹۹ هجری شمسی)



فقدان فرهنگی که از یک کارکشن، روند مخالف خود را ساخت. فقدان فرهنگی که مفهوم تنزیل هذلولی اقتصاد رفتاری را برایمان ملموس تر کرد؛ خطایی ادراکی که منجر می‌شود فرد به نتایج و پیامدهایی که در کوتاه مدت به دست می‌آورد تمایل بیشتری داشته باشد. ترجیحات ما در طول زمان تغییر می‌کنند و هنگامی که افراد قصد دارند برای یک رویداد ناخوشایند آماده شوند مشکلی احساس نکرده و خود را برای آن آماده می‌دانند اما نزدیک موعد مقرر مثلاً یک الی دو روز پیش از فرارسیدن آن، تنش بالایی را در خود احساس کرده و آن رویداد را ادراک شده‌تر می‌دانند. درست مانند زمانی که اکستنشن‌های قدرتمند بازار بورس ایران وارد اصلاح شد و هر کندل نزولی کارکشن آن، تنشی غیر قابل تحمل را در معامله‌گران ناآشنا با فرهنگ معاملاتی ایجاد کرد و منجر به اخذ تصمیماتی شد که طی آن یک اصلاح و خیز برای ادامه‌ی رشد قیمت، رونودی خلاف خود را ساخت.



چنانچه در تصویر زیر مشاهده می‌کنید: شروع گام با کندل‌های کوچک است و این یکی از معتبرترین علائم نشان دهنده‌ی ورود نقدینگی و تجمیع سفارشات در آن ناحیه‌ی قیمت می‌باشد و به استناد آن می‌توان ورود پول‌های بزرگ در راستای صعود توسط معامله‌گران بزرگ را تأیید کرد؛ این آغاز گام است.

پس از شروع گام و گذر از سطح تنش اول، همانگونه که در تصویر ملاحظه می‌کنید، شاهد ضعفی نیستیم و انتظار می‌رود که همچنان حرکت به اندازه‌ی موومنت پیش از خود ادامه دهد و پیش برود؛ اما پس از آن هم از خود ضعفی نشان نداد و محدوده‌ی بیشتری را طی کرد که حاکی از خروج سرمایه توسط معامله‌گران بزرگ نبود؛ همچنان نقدینگی بالاست!

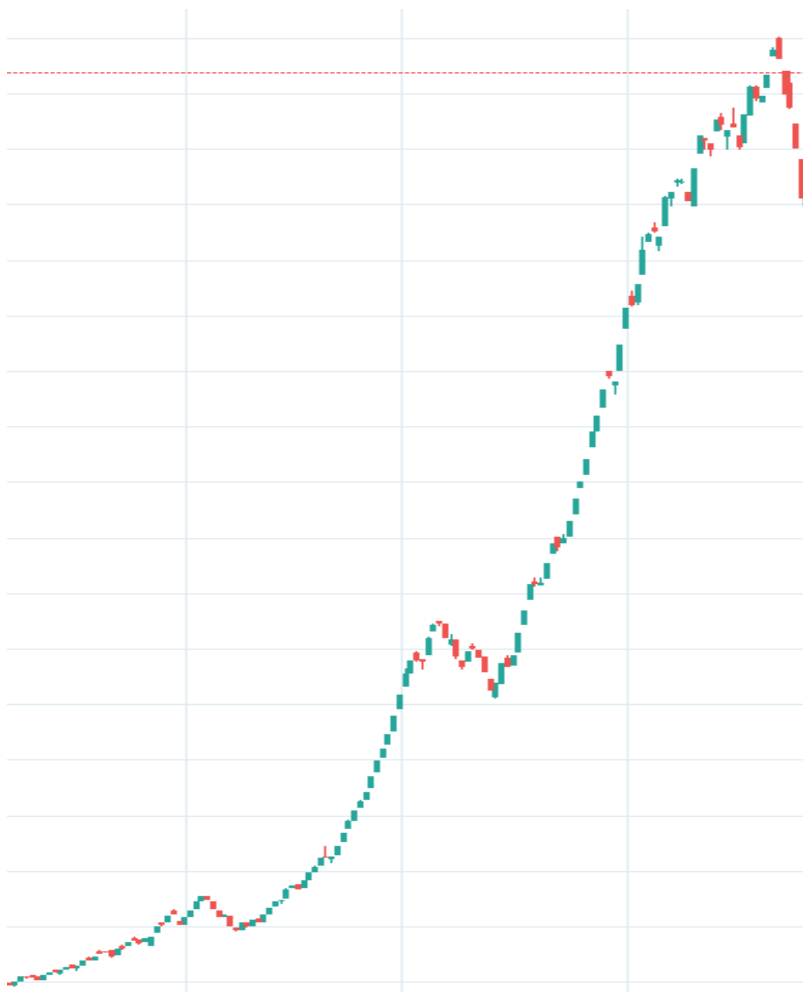
همانگونه که مشاهده می‌شود پس از آن قیمت وارد فاز اصلاح شده است و با توجه به قدرت گام پیشین خود، قبل از رسیدن به بلوغ، حرکت بعدی خود را آغاز کرد؛ به عبارتی همچنان نقدینگی بالاست!



به گام دوم بنگرید؛ با توجه به گام قبل، انتظار ما نیز حرکت به همان میزان بود، اما مجدداً وضعی در روند مشاهده نشد؛ حرکت ادامه یافت.

با توجه به تصویر گام ۱ و گام ۲ می‌توان چنین مشاهده کرد که در طول هر دو گام نهایتاً شاهد دو کندل قرمز متوالی بوده‌ایم. منتها با رسیدن گام ۲ به بالاتر خود مشاهده می‌شود که تعداد کندل‌های قرمز بیشتر شده است و این به صورت نشانه‌ایی مبنی بر ضعف حرکت و خروج تدریجی نقدینگی استنباط می‌شود. در این صورت یک معامله‌گر متخصص منتظر اصلاح قیمت می‌شود.

با شکل‌گیری دو کندل قدرتمند قرمز، اصلاح آغاز می‌شود؛ این کاملاً طبیعی است! هر دمی نیازمند بازدم است.



از آنجا که مشخص نیست دقیقا قیمت تا کدام نقطه اصلاح خواهد شد، معامله‌گر می‌بایست بخشی از معامله‌ی خود را نقد کند.

پس در صورتی که اصلاح به بلوغ رسید، بی‌وزنی و در نهایت کندل جریان سفارشات مشاهده شد، می‌بایست مجدد وارد معامله شد. با مشاهده‌ی نشانه‌های ضعف در روند نزولی می‌توان چنین استنباط کرد که خواست سرمایه‌های بزرگ، جلوگیری از نزول بیشتر قیمت بوده است.

بی‌وزنی و کندل جریان سفارشات ظاهر شد؛ فقدان فرهنگ معاملاتی لازم نیز!

با وجود بی‌وزنی و تشکیل کندل جریان سفارشات، به دلیل فقدان فرهنگ معاملاتی لازم در معامله‌گران بدون تخصص و ناشی حاضر در بازار، قیمت در ادامه‌ی روند صعودی خود ناتوان و ناکام ماند و اصلاح به عدم توانایی در ادامه‌ی روند صعودی قیمت تبدیل شده و روند نزولی با خروج بالای سرمایه‌ها آغاز شد؛ فاجعه‌ی بزرگترین آسیب مالی - اجتماعی بورس ایران در سال ۱۳۹۹ هجری شمسی رقم خورد.



اندکی تفکر در مورد عنوان شده‌ی بالا مبین نکته‌ای است که می‌بایست پیش از اقدام به آن اندیشیده می‌شد. تفکر پیش از عمل. در علم روانشناسی مقوله‌ایی بسیار مهم وجود دارد که تا کنون تحقیقات بسیار زیادی در مورد آن صورت گرفته است و انواع گوناگونی از نمودش در دنیای آدمی قابل مشاهده است؛ رفتار تکانشی.

به رفتار پیش از فکر، رفتار تکانشی گفته می‌شود. منظور از تفکر پیش از عمل، اندیشیدن در مورد تمامی جنبه‌های یک مسئله می‌باشد. اگر معامله‌گران ناآشنا با قواعد بازارهای مالی، به جای آنکه تنها به سود آوری آن بیاندیشند و نتیجه‌ی بازدهی آن در دیگر معامله‌گران را مشاهده کنند و صرفاً به مشاهدات تجربی خود اکتفا کنند، به تخصصی بودن و قاعده‌مند بودن بازار نیز می‌اندیشیدند، حداقل با مشورت اهل فن آن، نه کسانی که خود را اهل فن می‌دانند و صرفاً مدتی بیشتر از آنان در بازار فعالیت دارند، با امنیت بیشتری به این حیطه وارد شده و حداقل میزان ضرر را تجربه می‌کردند.

یکی از دلایلی که منجر شد نامعامله‌گران حاضر در بازار، به پیشنهادات معامله‌گران غیر حرفه‌ایی فعال در این حیطه تکیه کنند و مهارت غیر تخصصی آنان را چراغ راه خود قرار دهند، تجربه‌ی آشنایی بیشتر آنان با این محیط بود؛ تجربه‌ایی هرچند اشتباه، اما بیشتر. درست مانند همان پیامی که ما در بدو تولد در پاسخ به گریستنمان از مادر دریافت می‌کردیم؛ نترس، من هستم و بیشتر از تو این محیط را می‌شناسم.

اما دیگر ما یک نوزاد نبودیم. منفعل و مقلد نبودیم. آنچه از افراد عاقل و بالغ آن زمان نامعامله‌گرانی با توهم تخصص ساخت، شیرینی سود بود. حال به ژرفای معنای این جمله پی می‌بریم که در این دنیا نباید اجازه دهیم که تمایلاتمان، نیازها و هیجاناتمان، بر مهارتمان غلبه کنند.

در کشور پهناورمان ایران، روستایی به نام ملا از توابع بخش لندهی شهرستان کهگیلویه در استان کهگیلویه و بویر احمد با جمعیت ۵۱۳ نفر بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی وجود دارد که اکنون به (مال استریت)، تنها روستای بورسی جهان، معروف است.

اهالی مال ملا با آگاهی کامل از عملی که در حال انجام آن بودند، فعالیت‌های اقتصادی خود را از سایر مشاغل به بازار بورس معطوف کرده و در این بین از کودک ۸ ساله تا مرد کهن سال ۸۰ ساله به سرمایه‌گذاری در این بازار پرداختند.

آنچه آغازگر این جنبش در اهالی مال ملا شد، سوددهی حساب چندین تن از جوانان جویای رشد و موفقیت و نیز معرفی بازار بورس به اهالی توسط آنان بود. پس از آن رسانه و بیانیه‌های مختلف شخصیت‌های مهم و کلان زمان بر این جریان مهر تأیید زدند و این جنبش تا نابودی سرمایه‌های اولیه، فعالیت‌های کشاورزی و دامی اهالی روستا، فروپاشی خانواده‌ها، برهم خوردن ازدواج‌ها، ورشکستگی کامل غالب خانوارهای روستا و نیز کاهش امید به زندگی و بهزیستی روانی و اقتصادی ساکنین مال ملا ادامه یافت. اکنون بسیاری مال ملا را با نام مال استریت می‌شناسند و خود این نام، بار معنایی بسیار سنگین و آسیب‌زایی را بر دوش کل روستا و اهالی آن افکنده است.

در سراسر ایران افراد بسیاری وجود دارند که به تنهایی می‌توانند مثالی از رنج بزرگی که اهالی مال ملا می‌برند باشند؛ رفتاری تکانشی در سطح ملی! من هر آنچه را که چارت با زبان و ادبیات چارتیکال جبل عاملی گفته بود، شنیده بودم و تمامی این مسائل را؛

من گفته بودم.

قیمت نفت : صفر دلار!

با مشاهده تصویر زیر شاهد آن هستیم که پس یک گام قدرتمند در جهت نزول، می‌بایست منتظر یک اصلاح بود. اصلاح رخ داده‌ی بیش از ۵۰٪ حاکی از آن بود که نباید منتظر ریزش چشمگیری ماند.

اگرچه نباید منتظر ریزش چشمگیری می‌بودیم اما می‌بایست برای حرکت صعودی قیمت آماده شد. می‌دانیم که با تشکیل یک گام و اصلاح مناسب آن، پایان و تغییر روند پیشین رخ می‌دهد؛ اما از آنجا که این اصلاح، اصلاحی در خور گام خود نبود و نتوانست به قیمت بالاتر از قیمت کشف شده توسط گام خود برسد، شاهد عدم توانایی در ادامه‌ی روند و ایجاد یک کمپلکس پولبک بودیم. قیمت سعی داشت خود را به سطح بالا یا بالاترین عدد قبلی خود برساند؛ می‌بایست برای پولبک به ریورسال سطح پیش رو آماده شد.



با تشکیل کندل جریان سفارشات، ریزش بعدی آغاز می‌شود. نخستین سطح تنش پیش رو انتهای گام نزولی اول بود که در آن محدوده شاهد یک واکنش اصلاحی نیز بودیم. واکنش انجام شده بلوغی در خور این گام را نداشت و شروع به حرکت کرد؛ عدم توانایی در ادامه‌ی روند مشاهده شد.



با شروع عدم توانایی در ادامه‌ی روند و حرکت قیمت در جهت صعود، اگر همانند گذشته اصلاحی صورت بگیرد، حاکی از پایان و تغییر روند است که این اتفاق هم افتاد. در ادامه‌ی گام دوم روند جدید با شکل‌گیری کندل‌های کوچک ادامه پیدا کرد که نشان دهنده‌ی این است که معامله‌گران اگرچه مایل به ریزش بیشتر قیمت نیستند اما تمایلی نیز به افزایش آن ندارند که در نتیجه با تشکیل یک کندل قدرتمند نزولی به عنوان کندل جریان سفارشات، جهت قدرت حرکت قیمت را در راستای نزول در نظر می‌گیریم. با توجه به گام ریزشی دوم، انتظار می‌رود که قیمت به همان مقدار حرکت کند. این حرکت بنابر پیش‌بینی از روی شکل‌گیری کندل‌ها و گام قبلی تا عدد صفر قیمت پیش خواهد رفت؛

قیمت نفت ناباورانه صفر دلار شد!

چیزی که در آخر به رسمیت شناخته می‌شود، واقعیت است نه فانتزی‌ها و باورهای عمومی و پیشین ما. من هر آنچه را که چارت با زبان و ادبیات چارتیکال جبل‌عاملی گفته بود، شنیده بودم؛

من گفته بودم.



با اندکی تامل در آنچه که در تحلیل فاجعه‌ی بورس ایران عنوان شد، دریافتیم که عدم شناخت کافی از اصول بازارهای مالی و نیز فرهنگ معاملاتی منجر به نتایجی خواهد شد که گاهی جبران ناپذیرند. هر عمل تخصصی نیازمند پایه و اساس علمی و مبانی نظری خود است. مالی کلاسیک به عنوان اولین تشکیل دهنده‌ی مبانی نظری تخصص معامله‌گری، گذشته‌ی بازار را مورد بررسی قرار می‌دهد و بیشترین تمرکز آن بر تحلیل و توجیه حرکات قیمت است. در مسیر معامله‌گری روش‌های بسیاری تا کنون در راستای پیش بینی حرکات قیمت در آینده، آمده و رفته‌اند و بعضی همچنان طرفداران خاص خود را دارند. آنچه در این مجلد به بیان تبیین حرکات قیمت در هرگونه نمودار مالی اعم از بورس ایران، نفت و بیت کوین می‌پردازد، روش ابداعی من، چارتیکال جبل

عاملی می‌باشد که در مکتوبات پیشین (سنتیمنتال، چارتیکال جبل عاملی) به تفصیل بیان شده‌اند.

علت نامگذاری این رویکرد تحت عنوان چارتیکال جبل عاملی این است که در آن بدون نیاز به هیچ ابزاری، اندیکاتور، اسیلاتور یا هیچ یک از روش‌های تحلیل فاندامنتال و تکنیکال، تنها با استفاده از چارت خالی و خود حرکات قیمت، می‌توان آینده‌ی آن را پیش بینی کرد.

با استناد و تکیه بر همین روش معاملاتی می‌توان تصمیم جامع‌ی غلب بازار از خریداران و فروشندگان را تشخیص داد و روند بعدی حرکت قیمت را پیش بینی کرد. اما داستان به همین جا ختم نمی‌شود. مسائل بسیاری در حاشیه‌ی خرید و فروش نمادهای مختلف بازارهای مالی وجود دارد که به یکدیگر و در آخر بر قیمت هر سهم یا نماد اثر مستقیم و غیر مستقیم خود را می‌گذارد. اعلان جنگ از طرف یک کشور به کشوری دیگر، تغییر و تصمیمات ملی رئیس جمهور منتخب هر کشور در هر دوره و اثر آن بر روابط آن کشور با دیگر کشورها و نیز سرانه‌ی تولید، صادرات و یا واردات نفتی و غیر نفتی ملل مختلف و تأثیری که بر ارز آن و دیگر کشورها می‌گذارد؛ نرخ بیکاری و تورم، رکود مسکن و... همه و همه از عواملی هستند که اثر خود را بر نوسانات بازارهای مالی گذاشته و معامله‌گران حاضر در آن خواه ناخواه با آن سر و کار داشته و مطابقشان اقدام به خرید یا فروش می‌کنند.

آگاهی از این عوامل و تأثیر آن‌ها بر بازارهای مالی هیچ ارتباطی به معامله‌گران نداشته و معامله‌گران تنها با تشخیص حرکات مختلف قیمت از نحوه و جهت شکل‌گیری کندل‌های حال حاضر بازار تصمیمات معاملاتی خود را اتخاذ می‌کنند. جالب توجه‌ترین بخش این گفتار و حرفه این است که گرچه معامله‌گران از اتفاقات پشت قیمت آگاهی

نداشته و ندارند اما به مرور زمان با افزایش انس و الفتی که با حرکات قیمت پیدا می‌کنند می‌توانند کلیاتی از تغییرات آتی اقتصاد جهانی را لمس و پیش بینی کنند. مانند آنچه که من، احمدرضا جبل عاملی پیش از سقوط بازار بورس ایران (با شناخت پیشینه‌ی فرهنگ معاملاتی مردم سرزمینم، خلاف آنچه که تخصص معامله‌گری‌ام می‌گفت)، صفر شدن قیمت نفت و در نهایت ریزش سنگین قیمت بیت کوین و رکود اقتصادی سال ۲۰۱۷ پیش از مطرح شدن آن توسط جرج سوروس و... که مورد بررسی قرار خواهند گرفت و نیز اتفاق جدید پیش رویی که در حال رخ دادن است و عنوان خواهم کرد، اعلام کردم.

۳۰. من گفته بودم

بیت کوین

از تاریخ ۱۴ آپریل سال ۲۰۲۱ میلادی، بیت کوین که ریزش سخت خود را آغاز کرده بود، در محدوده‌ی قیمت ۳۰ هزار دلاری خود، با تشکیل حالت اصلاحی پولبک به ریورسال، عدم توانایی در ادامه‌ی روند نزولی و کندل جریان سفارشات در تاریخ ۲۱ جولای سال ۲۰۲۱ میلادی آغازگر یک روند صعودی شد.

گام پر قدرتی که نیازمند یک اصلاح بود و این اصلاح در راستای شروع مجدد گام در حال شکل‌گیری بود؛ هر دمی نیازمند بازدم است و هر گامی در بازار نیازمند اصلاح.

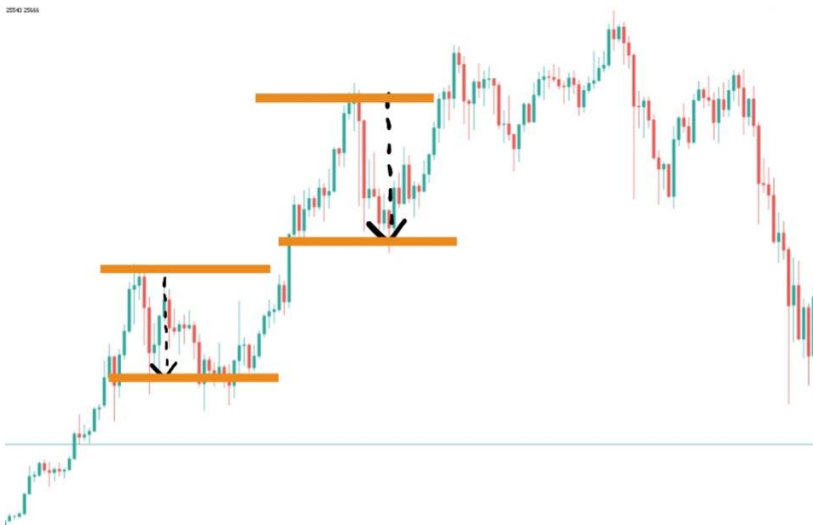
به تدریج با افزایش قیمت، کندل‌های قرمز رنگ بیشتری در تایم فریم روزانه شکل گرفت. ضریب چولگی سوددهی سهام کاهش یافت؛ سماجت مالی معامله‌گران در جهت خرید کمتر شده است.

ریزش قیمت با کندل‌های بزرگ آغاز شد. نشانه‌های نزول با توجه به گام و اصلاح، حاکی از تغییر روند بودند اما قیمت نمی‌توانست از آن حد پائین‌تر آمده و کمتر شود؛ تمایل معامله‌گران بزرگ در راستای بالاتر رفتن قیمت بود.

در نهایت با شکل‌گیری پولبک به ریورسال، نقدینگی در جهت صعود قیمت، وارد بازار شد. شکل ظاهری کندل‌ها، فقدان هرگونه ضعف خاصی در روند جاری و قدرت گام پیشین، حداقل این انتظار را در معامله‌گران به وجود می‌آورد که قیمت تا محدوده‌ی ۶۵ هزار دلار پیش برود؛ قیمت تا ۶۶ هزار دلار رفت اما اصول چارتیکالی ریزش سنگین پیش روی این نماد را بیان می‌کرد که شواهد آن چنین است:

(۱) افزایش عمق

این رخداد زمانی در چارت بیت کوین رویت شد که دومین اصلاح در روند صعودی آن عمق بیشتری را نسبت به اصلاح ماقبل خود ساخت.



۲) کاهش پرتاب قیمت

با کاهش فاصله‌ی هرقله (در روندهای صعودی) و هر کف (در روندهای نزولی) اصل کاهش پرتاب قیمت رخ می‌دهد که زنگ خطری مبنی بر کاهش قدرت معامله‌گران جهت روند می‌باشد.

بنگرید که چگونه فاصله‌ی قله‌ها و پرتاب قیمت در حرکات آخر این روند صعودی کاهش یافته است.



۳) عدم توانایی در ادامه

معامله کردن نیازمند مشاهده‌ی شفافیت در یک نماد معاملاتی می‌باشد، این موردی بود که در نمودار قیمتی بیت کوین به وضوح قابل مشاهده بود. در تصویر زیر عدم توانایی در ادامه را با شفافیت تمام خواهیم دید:



۴) کاهش ضریب چولگی

با اندکی تامل در تصویر زیر در می‌یابیم که مجموع شیب حرکات صعودی رو به نزول بوده است.



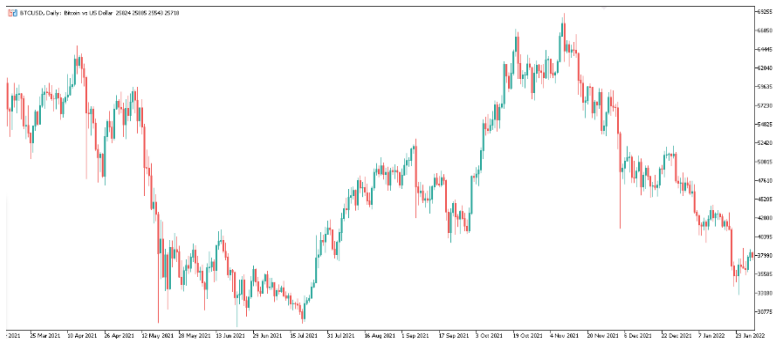
۵) بی وزنی و لبه‌ی ورود

آشکار شدن نشانه‌ها یکی پس از دیگری و این بار تشکیل بی وزنی در پایان موومنتی که ضعیف‌تر از موومنت‌های پیشین به کار خود و روند صعودی بیت کوین پایان داده بود. تمامی نشانه‌ها برای پایان یک روند طولانی صعودی در این نماد دست به دست هم داده و فقط تشکیل لبه‌ی ورود برای شروع یک ریزش عظیم لازم بود که آن هم پدیدار شد.



در تصاویر و موارد بالا ریزش سنگین بیت کوین را بررسی کردیم و کلیت آن را در تصویر زیر مشاهده می‌کنید. هرآنچه که چارتیکال جیل عاملی پیش بینی می‌کرد و

من گفته بودم.



رکود اقتصادی ۲۰۱۷

تحلیل و پیش بینی من از رکورد اقتصادی بر اساس رفتار قیمت در نمودارهای قیمتی جفت ارزهای اصلی، انس جهانی و نفت بود. نمادهای معاملاتی نامبرده به خصوص ارزهای یورو و دلار وارد رنج متلاطم قیمتی شده بودند و این خبر از عدم وجود نقدینگی می‌داد. اندکی تامل در بخش‌های مشخص شده در نمودارهای قیمتی زیر تغییر رفتار در این بازه‌ی زمانی را نشان می‌دهد.

نمودار قیمتی EURJPY

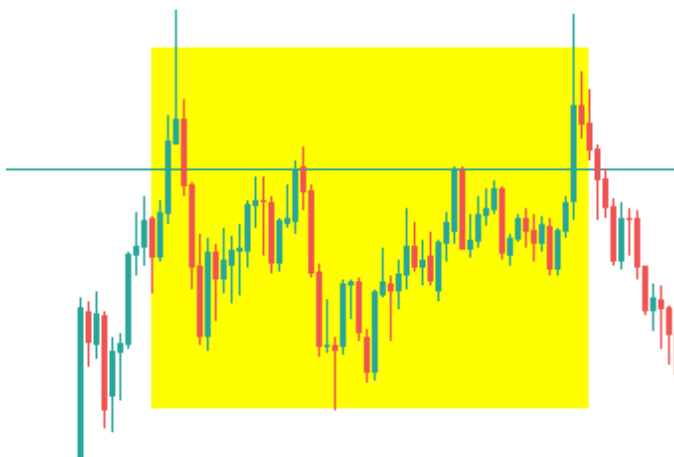


ارزش یورو بدون قاعده در برابر این ژاپن که دارایی امنی محسوب می‌شود در حال ریزش بود.

نمودار قیمتی GBPJPY



نمودار قیمتی USDCAD



نمودار قیمتی USDJPY



نمودار قیمتی EURUSD



نمودار قیمتی USDCHF



نمودار قیمتی نفت جهانی



نمودار قیمتی GBPUSD



نمودار قیمتی انس جهانی



هنر یک معامله‌گر با تجربه تنها به معامله کردن نیست. یک معامله‌گر حرفه‌ایی می‌بایست در کنار توانایی معامله‌گری خود چنین وقایع مهمی از چرخه‌های مختلف بازار را تشخیص داده و عموم مردم و مراجع ذی صلاح را نیز با خبر سازد. همچنین راه حل‌های جایگزینی برای استفاده از موقعیت‌های معاملاتی را به جامعه و دیگر معامله‌گران ارائه دهد. من با زبان و ادبیات چارتیکال جبل عاملی ورود به یک رکود اقتصادی بین المللی با توجه به نمودار قیمتی تمامی نمادهای معاملاتی نامبرده که تصویرشان را مشاهده کردید شنیدم، عنوان کردم ولی شنیده نشد. اکنون با غم و تاسفی سنگین می‌گویم:

من گفته بودم

ارسطو معتقد بود: طبیعت انسان ماندگار است نه ثروت او. اگر کمی به دوران دانش آموزی خود نیز ببیندیشیم به یاد می‌آوریم یکی از سوالاتی که بسیار در آن زمان رواج داشت و در محافل مختلف بیان می‌شد این بود که علم بهتر است یا ثروت؟ پاسخی که غالباً می‌شنیدیم نیز بر دو بخش تقسیم پذیر بود. نخست دسته‌ایی که بنابر کسب تأیید بزرگتران محفل، اخلاق مدار نشان دادن خود و بعضی هم از روی شناخت و آگاهی کافی، علم را بر می‌گزیدند. دسته‌ی دیگر نیز ثروت را. ثروت را راه آسایش، آرامش و ساخت مسیر رشد و طرقي خود، اطرافیان، فرهنگ و جامعه می‌دانستند. امروزه با رشد سطح فکری جوامع و نیز عبور نسبی از تفکر سیاه و سفیدی و دوطرفه سازی موضوعات با پاسخی مواجهیم که اذعان دارد؛ علم بهتر از ثروت است. ثروت بدون علم نابود شدنی است و علم بدون ثروت نیز بدون استفاده خواهد بود. حال که این فرصت برای من مقدور است می‌خواهم هدف اصلی خود از نگارش این کتاب را با این گزاره بیان کنم.

همانگونه که در ابتدای کتاب به تفصیل عنوان کردم، علم چیزی جز کشف واقعیت نیست. کشف رابطه‌ی مستقیم و غیر مستقیم میان متغیرهای مختلف در رشته‌ها و زمینه‌های گوناگونی که ما را در راستای بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی خود یاری می‌کند. برای مثال اگر مفهوم سبک‌های دلبستگی در روانشناسی را مورد مطالعه قرار دهید، در می‌یابید که این مفهوم عمیق و مفصل با بسیاری از مفاهیم دیگر این رشته اعم از افسردگی، اضطراب و... مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. برای مثال اندیشمندان این حوزه دریافته‌اند که احتمال بروز افسردگی پس از زایمان در مادرانی که سبک دلبستگی آنان نایمن بوده، بسیار بیشتر است. با این نتیجه‌ی یک سطری، اتفاقات بسیاری رقم می‌خورد. درمانگران این حوزه در مسیر درمان مراجعین خود با مشکل افسردگی پس از زایمان، بر حل تعارضات دلبستگی نایمن بیشتر متمرکز می‌شوند یا بانوانی که خواستار پذیرفتن نقش مادر شدن هستند، با حل تعارضات سبک دلبستگی نایمن، بهتر در مسیر ایفای نقش مادری در دوران بارداری و دوران پس از آن عمل خواهند کرد. کودکان این مادران نیز در روند موثرتری از پروسه‌ی درمان قرار خواهند گرفت و مسیر درمانی آنان روشن‌تر خواهد بود. به این ترتیب در کلاس‌های آموزش پیش از زایمان بر این مفهوم تاکید خواهد شد و از بروز و انتقال این سبک دلبستگی تا حد امکان جلوگیری خواهد شد.

این مثال تنها جهت بیان نقش علم در پیشگیری، درمان و بهبود فرایند فرزندپروری عنوان شد. در تمامی زمینه‌های موجود، علم به همین منوال عمل کرده و دانشمندان نیز در این راستا در تلاش‌اند. حال اگر کمی با این دیدگاه به علم بنگریم، خود علم نیز نوعی ثروت محسوب شده و عالم آن، ثروتمند؛ اما به شرط آن که علم او پا به عرصه‌ی عمل بگذارد. همانگونه که حضرت سعدی نیز می‌فرماید: عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی عسل.

اگر در مقیاسی ملی و پس از آن بین المللی به علم به عنوان یک ثروت بنگریم، عالمان و دانشمندان هر کشور نیز سرمایه و ثروت ملی و چه بسا جهانی محسوب خواهند شد. هر علمی زبان و ادبیات مختص خود را دارد و معامله‌گری و اقتصاد نیز از این قاعده مستثنی نیست. پس از آن که بحران اقتصادی آمریکا، تمرکز دولت مردان را معطوف به یافتن راهی کرد که بتواند پیش از بروز چنین مشکلاتی به کشف و پیش بینی سپس حل آن بپردازد، مالی رفتاری، پیش بینی و تبیین قیمت بر اساس حرکات آن، بیشتر از مالی کلاسیک کارائی خود را اثبات کرد و مورد توجه قرار گرفت.

روش معاملاتی چارتیکال جبل عاملی یکی از روش‌هایی است که کارائی خود را در رویکرد مالی رفتاری به اثبات رسانده است و اکنون با مفاهیم خود اعم از همبستگی قیمت ارزهای مختلف مانند یورو-دلار و یورو-پوند، یورو-ین و یورو-کد ... به همبستگی نوسان قیمت هر یک از ارزها بر دیگر جفت ارزها می‌پردازد. با مفهوم روند و نشانه‌های آغاز و پایان آن به بررسی و آگاهی از میزان نقدینگی تمامی بازارهای مالی پرداخته و نشانه‌های ورود و خروج پول‌های بزرگ به انواع بازارهای مالی را دنبال می‌کند.

آنچه اکنون در نوسانات مختلف روندی که به طور کل در بازار فارکس حاکم است و مشاهده می‌شود، همانند تمام آنچه که در تصاویر رکود اقتصادی پیشین در بالا مشاهده کردید، حاکی از ورود دوماهه‌ایی به یک رکود اقتصادی بین المللی و جهانی جدید در سال ۲۰۲۳ میلادی است که همچنان ادامه دارد و در حال حاضر پایان آن نامشخص است. علت آن برای من که فقط معامله‌گر هستم نه تحلیلگر اقتصادی، نامشخص بوده و همچنان مانند پیش بینی‌های پیشین خود بر بازار بورس ایران، صفر شدن قیمت نفت، ریزش بیت کوین و رکود اقتصادی بین المللی سال ۲۰۱۷ میلادی اعلام کرده و

از تمامی تحلیلگران اقتصاد و بازار سرمایه خواستار انجام پژوهش‌های عمیق و جدی بر این موضوع می‌باشم.

من صرفاً شنونده و مترجم چارت با زبان و ادبیات چارتیکال جبل عاملی بوده و آنچه تا کنون از آن به عنوان واقعیت غیر قابل انکار بازار و اقتصاد شنیده‌ام: ورود دوماهه‌ایی است که به یک رکود اقتصادی جهانی داشته‌ایم و گریبان تمام ملل را خواهد گرفت.

به امید آنکه در آینده خلاف آنچه تا کنون تجربه کرده‌ام، مقلبل بیان تاسف و غمی سنگین از عدم توجه بر پیش بینی‌ام، با افتخار از کاست تبعات این رکود اقتصادی بین المللی، بگویم؛

من گفته بودم.